

روم چشم‌انداز را تعیین می‌کند - شماره نه

رد بنیان‌ها: مناقشه «Daily Daily» و پیامدهای انکار حقیقت در نبوت ادونتستی

Jeff Pippenger

2024-08-21

ما در حال حاضر به خط نبوتی منازعاتی در تاریخ ادونتسیسم می‌پردازیم که دربارهٔ نمادهای گوناگون رُم رخ داده‌اند. اکنون به «دائمی» در کتاب دانیال می‌پردازیم. آن منازعه بیانگر رد پنیادهای ادونتسیسم، رد مرجعیت روح نبوت، و رد فرستاده‌ای است که از سوی خدا برگزیده شده بود. رد کردن کار میلر نیز بیانگر رد تعلیمی است که فرشتگان آسمانی به میلر داده بودند؛ همان فرشتگانی که او را به درک آن پیامی رهنمون شدند که بر اثر افزایش معرفت پدید آمد، هنگامی که مهر کتاب دانیال در سال ۱۷۹۸ گشوده شد.

کسانی که حقیقت شناسایی‌کنندهٔ آن قدرت (روم بت‌پرست) را که در رسالهٔ دوم به تسالونیکیان مانع از آشکار شدن قدرت پاپ می‌شد، رد می‌کنند، نشان می‌دهند که حقیقت را دوست ندارند، و به سبب رد کردن محبت به حقیقت، دروغی را دریافت می‌کنند. همان دروغ به نوبهٔ خود بر آنان گمراهی‌ای نیرومند می‌آورد. دروغ علت است و گمراهی نیرومندی که دریافت می‌کنند معلول. نبود محبت به حقیقت انگیزهٔ آنان است. آن دروغ نمایانگر انتخاب پذیرش کثرت‌گرایانهٔ آموزهٔ کتاب مقدس است، در برابر کسانی که به حقیقت مطلق باور دارند. از همین روست که تصویر اشعیا از «گمراهی نیرومند» پولس، به صورت «گمراهی‌ها» بیان می‌شود، نه صرفاً یک گمراهی. دستهٔ دیگر کسانی هستند که حقیقت را دوست دارند، اصل حقیقت مطلق را می‌پذیرند، و به گفتهٔ اشعیا همان‌ها هستند که به کلام خدا می‌لرزند.

خداوند چنین می‌گوید: آسمان تخت من است و زمین پای‌انداز من؛ خانه‌ای که برای من بنا می‌کنید کجاست؟ و جایگاه آرامش من کجاست؟ زیرا دست من همه اینها را ساخته است و همه اینها پدید آمده‌اند، خداوند می‌گوید؛ اما به این کس نظر خواهم داشت: به آن که مسکین و روحاً شکسته است و از کلام من می‌لرزد. کسی که گاوی را بکشد، چنان است که گویی انسانی را کشته باشد؛ کسی که بره‌ای را قربانی کند، چنان است که گویی گردن سگی را بریده باشد؛ کسی که تقدّم‌های بیاورد، چنان است که گویی خون خوک را تقدیم کرده باشد؛ کسی که بخور بسوزاند، چنان است که گویی بتی را تبرک کرده باشد. آری، آنان راه‌های خود را برگزیده‌اند و جانشان در رجاساتشان لذت می‌برد. من نیز فریب‌هایشان را بر آنان برمی‌گزینم و ترس‌هایشان را بر آنان می‌آورم؛ زیرا چون خواندم، کسی پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه در نظر من بدی کردند و آنچه را که من بدان خشنود نبودم برگزیدند. ای شما که از کلام او می‌لرزید، کلام خداوند را بشنوید؛ برادران شما که از شما نفرت داشتند و به خاطر نام من شما را بیرون راندند، گفتند: «بگذار خداوند جلال یابد»، اما او برای شادی شما ظاهر خواهد شد و آنان شرمسار خواهند گردید. اشعیا ۶۶:۱-۵.

کسانی که از کلام خدا می‌لرزند، همان رانده‌شدگان اسرائیل‌اند که در ایام آخر به‌عنوان علم‌نشان داده می‌شوند.

و او برای امت‌ها علمی برافراشته خواهد کرد و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد و پراکنندگان یهودا را از چهار گوشهٔ زمین گرد خواهد آورد. اشعیا ۱۱:۱۲.

خدا تصریح می‌کند که این خود اوست که آن خانه را ساخته؛ همان خانه‌ای که گروهی که قربانی‌های فاسد تقدیم می‌کنند، ادعا می‌کنند خودشان ساخته‌اند. این همان خانه‌ای است که هنگام اعلام «هیکل

خداوند اینها هستند» به آن تکیه می‌کنند.

در دروازه خانه خداوند بایست و در آنجا این کلام را اعلام کن و بگو: ای تمامی اهل یهودا که برای پرستش خداوند از این دروازه‌ها وارد می‌شوید، کلام خداوند را بشنوید. خداوند لشکرها، خدای اسرائیل، چنین می‌گوید: راه‌ها و کردارهای خود را اصلاح کنید، و شما را در این مکان ساکن خواهم کرد. به سخنان دروغین اعتماد نکنید که می‌گویند: «این‌ها هیکل خداوندند، هیکل خداوند، هیکل خداوند.» ارمیا ۲:۷-۴.

کسانی که به سخنان دروغ «اعتماد» می‌کنند، همان‌هایی‌اند که دروغ را باور می‌کنند. خانه‌ای که خداوند بنا کرد، بر بنیانی برپا شد که او خود نیز آن را ساخته بود. گروهی که وقتی خدا فراخواند پاسخ ندادند، راه‌های خود را برگزیدند و در رجاسات شادمان شدند. آنان «راه‌ها» و «رجاسات» را به صورت جمع برگزیدند، در حالی که ارمیا گفته بود تنها یک راه برای راه رفتن در آن وجود دارد.

خداوند چنین می‌گوید: بر سر راه‌ها بایستید و بنگرید و از راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کجاست، و در آن راه بروید، آنگاه برای جان‌های خود آرامی خواهید یافت. اما گفتند: در آن نخواهیم رفت. و نیز بر شما دیده‌بانانی گماشتم و گفتم: به صدای شیپور گوش فرا دهید. اما گفتند: گوش نخواهیم سپرد. پس بشنوید، ای قوم‌ها، و بدان، ای جماعت، آنچه در میان ایشان است. ای زمین، بشنو: اینک بلایی بر این قوم خواهم آورد، یعنی حاصل اندیشه‌هایشان، زیرا به سخنانم گوش نسرده‌اند و به شریعتم اعتنا نکرده، بلکه آن را رد کرده‌اند. بخور از سبا و نی خوشبو از سرزمینی دور چه سود که نزد من آید؟ قربانی‌های سوختنی شما پذیرفتنی نیست و قربانی‌هایتان نزد من خوشایند نیست. ارمیا ۱۶:۱۶-۳.

در فصل پانزدهم، ارمیا جماعت شریبری را که با وجود داشتن گوش، گوش فرا ندادند، «مجمع استهزاگران» می‌نامد. به این جماعت در تاریخ پیام‌های فرشته اول و دوم، و نیز بار دیگر در تاریخ فرشته سوم، «دیدبان» داده شد، اما آنان از راه نیکو که همان راه‌های دیرین است، رفتن را نپذیرفتند؛ بلکه در «راه‌ها» گام برداشتند. از این رو، اشعیا بیان می‌کند که خدا چندین فریب را برمی‌گزیند، زیرا آنان به جای آن راه مطلق که همان راه‌های دیرین است، کثرتی از راه‌های باطل را برگزیدند. مطابق شهادت اشعیا، پرستش مجمع استهزاگران نزد خداوند مردود است. خواهر وایت کثرت فریب‌های اشعیا را مستقیماً با فریب نیرومند پولس پیوند می‌دهد و آن را در زمینه رد حقایق بنیانی قرار می‌دهد؛ همان بنیانی که خداوند خانه خود را بر آن بنا کرده و می‌سازد.

کسی که فراتر از ظاهر را می‌بیند و دل‌های همه آدمیان را می‌خواند، درباره آنان که از نوری عظیم بهره‌مند شده‌اند، چنین می‌گوید: «آن‌ها به سبب وضعیت اخلاقی و روحانی خویش اندوهگین و حیران نمی‌شوند. آری، ایشان راه‌های خویش را برگزیده‌اند و جانیشان در رجاساتشان لذت می‌یابد. من نیز فریب‌های ایشان را اختیار خواهم کرد و ترس‌هایشان را بر آنان خواهم آورد، زیرا چون خواندم، هیچ‌کس پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه در نظر من بدی کردند و آنچه مورد خشنودی من نبود برگزیدند.» «خدا بر ایشان گمراهی نیرومند خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند»، زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند، «بلکه در ناراستی لذت بردند.» اشعیا ۳:۶۶، ۴؛ دوم تسالونیکیان ۱:۱۱، ۱۰، ۱۲.

معلم آسمانی پرسید: «کدام گمراهی نیرومندتر می‌تواند ذهن را بفریبد از این تظاهر که شما بر بنیاد درست بنا می‌کنید و خدا اعمال شما را می‌پذیرد، حال آنکه در حقیقت بسیاری امور را بر وفق سیاست دنیوی پیش می‌برید و در برابر پوهه گناه می‌کنید؟ آه، این فریبی بزرگ است، گمراهی‌ای فریبا که بر اذهان چیره می‌شود، آنگاه که مردمانی که زمانی حقیقت را شناخته‌اند، صورت دینداری را به جای روح و قدرت آن می‌گیرند؛ آنگاه که می‌پندارند ثروتمند و در دارایی فزون شده‌اند و به هیچ چیز نیاز ندارند، حال آنکه در واقع به همه چیز نیازمندند.»

خدا نسبت به بندگان وفادارش که جامه‌های خود را پاک و بی‌لکه نگاه می‌دارند، تغییر نکرده است. اما بسیاری فریاد می‌زنند: «سلامتی و امنیت»، در حالی که هلاکت ناگهانی بر آنان فرود می‌آید. مگر آنکه توبه‌ای کامل صورت گیرد، مگر آنکه انسان‌ها با اعتراف، دل‌های خود را فروتن سازند و حقیقت را همان‌گونه که در عیسی است بپذیرند، هرگز وارد آسمان نخواهند شد. هنگامی که پاک‌سازی در صفوف ما صورت گیرد، دیگر آسوده نخواهیم نشست و به ثروتمندی و فزونی دارایی‌ها فخر نخواهیم کرد، گویی به هیچ چیز نیاز نداریم.

"چه کسی می‌تواند به‌راستی بگوید: 'طلای ما در آتش آزموده شده است؛ جامه‌های ما به‌وسیله دنیا لکه‌دار نشده است'؟ من دیدم که معلم ما به جامه‌های به‌اصطلاح راستکاری اشاره می‌کرد. با برکندن آن‌ها، پلیدی زیرشان را آشکار ساخت. سپس به من گفت: 'آیا نمی‌بینی چگونه به‌ریا پلیدی و پوسیدگی منش خود را پوشانده‌اند؟' چگونه شهر امین فاحشه شده است! "خانه پدرم به خانه تجارت بدل شده است، جایی که از آن حضور و جلال الهی رخت بر بسته است! از این رو سستی هست و قوتی در میان نیست." شهادت‌ها، جلد 8، 249، 250.

در این بخش، جماعت استهزاگران ارمیا به‌عنوان لاودیکیان معرفی می‌شود که باکره‌های نادان هستند.

"وضعیت کلیسا که با دوشیزگان نادان نشان داده شده، همچنین از آن با عنوان وضعیت لاودیکیه‌ای یاد می‌شود." ۱۹، Review and Herald، اوت ۱۸۹۰.

باکره‌های نادان با فرا رسیدن فریاد نیمه‌شب، کمبود روغن خود را آشکار می‌کنند، هنگامی که دچار گمراهی‌ای می‌شوند که با انتخاب پیشین‌شان درباره اینکه کدام راه را در پیش گیرند هم‌سو است، و در عین حال راه‌های کهن ارمیا را رد می‌کنند. راه‌های کهن جایی است که آرامش و تجدید نیرو یافت می‌شود، و آن آرامش و تجدید نیرو همان باران پسین است.

به من زمانی نشان داده شد که پیام فرشته سوم رو به پایان بود. قدرت خدا بر قوم او قرار گرفته بود؛ آنان کار خود را به انجام رسانده بودند و برای ساعت آزمایش پیش‌رو آماده بودند. آنان باران آخر، یا تجدید نیرو از حضور خداوند، را دریافت کرده بودند و شهادت زنده احیا شده بود. آخرین هشدار بزرگ در همه‌جا طنین‌انداز شده بود و ساکنان زمین را که پیام را نمی‌پذیرفتند برانگیخته و خشمگین کرده بود. نوشته‌های اولیه، ۲۷۹.

در هنگام افاضه روح‌القدس، گمراهی قوی بر باکره‌های نادان لاودیکیه‌ای که حقیقت را دوست ندارند ریخته می‌شود، و بنابراین آنان به جای حقیقت، دروغی را برای باور کردن برگزیدند. رد حقیقت معادل رد شریعت است، زیرا شریعت خدا در قواعد نبوی او مجسم شده است.

مکاشفه آفرینش یا اختراع چیزی نو نیست، بلکه تجلی آن چیزی است که تا هنگام آشکار شدن، برای انسان‌ها ناشناخته بود. حقایق بزرگ و جاودانه‌ای که در انجیل نهفته‌اند، از راه جست‌وجوی پیگیر و فروتن ساختن خویش در برابر خدا آشکار می‌گردند. آموزگار الهی ذهن جوینده فروتن حقیقت را رهبری می‌کند؛ و به راهنمایی روح‌القدس، حقایق کلام بر او مکشوف می‌شود. و راهی مطمئن‌تر و مؤثرتر برای معرفت از آن که چنین هدایت شویم وجود ندارد. وعده نجات‌دهنده این بود: «وقتی او، یعنی روح راستی، بیاید، شما را به تمامی حقیقت هدایت خواهد کرد.» به واسطه عطا روح‌القدس است که ما کلام خدا را درمی‌یابیم.

مزمورنویس می‌نویسد: «جوان چگونه راه خود را پاک سازد؟ با توجه بدان، مطابق کلام تو. تو را با تمامی دل جسته‌ام؛ مگذار از فرامینت دور شوم. ... چشمانم را بگشا تا عجایب شریعتت را ببینم.»

به ما اندرز داده شده است که حقیقت را همچون گنجی پنهان بجوییم. خداوند فهم جوینده راستین حقیقت را می‌گشاید؛ و روح‌القدس او را توانا می‌سازد تا حقایق وحی را دریابد. این همان چیزی است که مزمورنویس بدان اشاره دارد، آنگاه که درخواست می‌کند چشمانش گشوده شود تا شگفتی‌های نهفته در شریعت را ببیند. هرگاه جان در طلب فضایل عیسی مسیح تشنه باشد، ذهن توان می‌یابد شکوه‌های عالم برتر را دریابد. تنها با یاری معلم الهی می‌توانیم حقایق کلام خدا را بفهمیم. در مکتب مسیح می‌آموزیم که حلیم و فروتن باشیم، زیرا فهم رازهای تقوا به ما عطا می‌شود. ۱، Sabbath School Worker، دسامبر ۱۹۰۹

رد کردن پیام یا روش باران پسین، به منزله رد کردن شریعت خداست. وقتی ارمیا گفت: «نه به سخنان من گوش فرا داده‌اند و نه به شریعت من، بلکه آن را رد کرده‌اند»، او با هوشع هم عقیده است.

قوم من از کمبود معرفت هلاک می‌شود؛ چون تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا برای من کاهن نباشی؛ چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴:۶.

آن معرفتی که جاهلان رد می‌کنند، همان افزایش معرفتی است که دانیال وقوع آن را در زمان انتها مشخص کرده است. در زمان انتها در سال 1798، و سپس دوباره در زمان انتها در سال 1989، افزایشی در معرفت رخ داد که به وسیله پیام‌آوری که خدا برای برپا ساختن بنیان هر یک از آن دو نسل موازی برگزیده بود، تدوین و صورت‌بندی شد. آن حقایق بنیادی بر پایه قواعد معین کتاب مقدسی سازمان‌دهی شدند که به پیام‌آوران برگزیده تاریخ‌های مربوط به خودشان مکشوف شده بود، و آن حقایق بنیادی همان راه‌های کهن ارمیا هستند و همان حقایقی‌اند که در نهایت روغن پیام‌های فریاد نیمه‌شب و فریاد بلند را نمایندگی می‌کنند. باران آخر، در تاریخ مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار، پیام فریاد نیمه‌شب را پدید می‌آورد، و سپس در تاریخ جمع‌آوری گله دیگر خدا که هنوز در بابل است، پیام فریاد بلند را پدید می‌آورد. باران آخر هم پیام است و هم روشی که آن پیام را تولید می‌کند. افزایش معرفت دانیال یک فرایند آزمون سه مرحله‌ای را آغاز می‌کند.

و گفت: ای دانیال، به راه خود برو، زیرا این سخنان تا وقت پایان بسته و مهر شده است. بسیاری پاکیزه خواهند شد، سفید خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شریران شرارت خواهند ورزید، و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید؛ اما خردمندان خواهند فهمید. دانیال ۹:۱۲، ۱۰

شریران دانیال همان باکره‌های نادان متی هستند که انتخاب می‌کنند وضعیت لائودیکیه‌ای خود را حفظ کنند. وضعیت آنان در گام سوم از سه آزمون دانیال آشکار می‌شود، زمانی که هم دانیان و هم شریران آزموده می‌شوند. آزمون نهایی جایی است که داوری به اجرا گذاشته می‌شود، و هر دو گروه آشکار می‌کنند که آیا روغن دارند یا نه.

«باز این مثل‌ها تعلیم می‌دهند که پس از داوری دیگر مهلتی در کار نخواهد بود. وقتی کار انجیل به پایان می‌رسد، بلافاصله جدایی میان نیکان و بدان رخ می‌دهد و سرنوشت هر گروه برای همیشه تثبیت می‌شود.» Christ's Object Lessons, 123.

تجلی شخصیت در آزمون سوم، پرستندگان را به‌عنوان یک لاودیکیه‌ای نادان یا یک فیلادلفیایی خردمند مشخص می‌کند. آزمون نهایی در پیوند با پیام باران دیر هنگام انجام می‌شود؛ پیامی که به واسطه روش‌شناسی باران دیر هنگام آشکار شده است. رد کردن روش‌شناسی باران دیر هنگام، شخص را در موقعیتی قرار می‌دهد که نمی‌تواند پیام باران دیر هنگام را درک کند. اشعیا پیام و روش‌شناسی را به‌عنوان آزمون نهایی معرفی می‌کند.

او دانش را به که بیاموزد؟ و آموزه را به که بفهماند؟ به آنان که از شیر گرفته شده‌اند و از پستان‌ها جدا شده‌اند. زیرا حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ خط بر خط، خط بر خط؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا. زیرا با لب‌های لکنت‌دار و زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. به آنان که گفت: این است آرامی که به آن خستگان را آرام دهید؛ و این است تازه‌سازی؛ اما نخواستند بشنوند. ولی کلام خداوند برای ایشان شد: حکم بر حکم، حکم بر حکم؛ خط بر خط، خط بر خط؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا؛ تا بروند و به قفا بیفتند و شکسته شوند و به دام افتند و گرفتار گردند. پس ای مردان استهزاگر که بر این قوم در اورشلیم حکومت می‌کنید، کلام خداوند را بشنوید. زیرا گفته‌اید: با مرگ عهد بسته‌ایم و با دوزخ موافق شده‌ایم؛ هرگاه تازیانه فراگیر عبور کند، به ما نخواهد رسید، زیرا دروغ را پناه خود ساخته‌ایم و زیر دروغ پنهان شده‌ایم. بنابراین، خداوند یهوه چنین می‌گوید: اینک در صهیون برای بنیاد سنگی می‌نهم، سنگی آزموده، سنگ زاویه‌ای گران‌بها، بنیانی استوار؛ هر که ایمان آورد شتاب نخواهد کرد. و داوری را به ربسمان اندازه‌گیری خواهیم نهاد و عدالت را به شاقول؛ و تگرگ پناه دروغ را خواهد رویید و آب‌ها مخفی‌گاه را فرا خواهد گرفت. و عهد شما با مرگ باطل خواهد شد و موافقت شما با دوزخ برقرار نخواهد ماند؛ و چون تازیانه فراگیر عبور کند، آنگاه به وسیله آن لگدمال خواهید شد. اشعیا ۹: ۲۸-۱۸.

«تازیانه سیل‌آسا» در نبوت کتاب مقدس، همان بحران پیش‌رونده قانون یکشنبه است که با قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع در ایالات متحده آغاز می‌شود. آن لائودیکیان نادان و شریر که «محبیت حقیقت» را ندارند و از این‌رو افزایش معرفت را رد می‌کنند، بر این باورند که «تازیانه سیل‌آسا» بر ایشان «نخواهد آمد»، زیرا از جمله، تصمیم گرفتند تعریفی نادرست از نمادی از روم در نبوت کتاب مقدس بپذیرند. با این کار، الگویی نبوی کاذب پدید آوردند که بر بنیاد نبوی خودشان استوار است. بنیادشان بر شن بنا شده است که نمایانگر انبوهی از سنگ‌ریزه‌های خردشده است. اما بنیاد خردمندان بر صخره یگانه بنا شده است.

برحسب فیض خدا که به من عطا شده است، چون معمار دانا، بنیاد را نهادم و دیگری بر آن بنا می‌کند. اما هر کس باید مواظب باشد که چگونه بر آن بنا می‌کند. زیرا کسی نمی‌تواند بنیادی جز آنچه نهاده شده است بگذارد، که همان عیسی مسیح است. حال اگر کسی بر این بنیاد طلا، نقره، سنگ‌های گرانبها، چوب، علف، گاه بنا کند؛ کار هر کس آشکار خواهد شد، زیرا روز آن را آشکار خواهد کرد، چون به وسیله آتش مکشوف می‌شود؛ و آتش کار هر کس را خواهد آزمود که از چه نوع است. اول قرن‌تین ۱۰: ۳-۱۳.

بنیادهای کاذب در تقابل با بنیاد حقیقی قرار می‌گیرند، که همان عیسی مسیح - صخره - است. بنیاد راست یا باطل در آخرین آزمون از سه آزمون دانیال آشکار می‌شود. این «به‌وسیله آتش» آشکار می‌شود. آتش فرستاده عهد، که ناگهان به هیکل خود خواهد آمد. آنگاه گروهی آشکار می‌شود که با مرگ عهد بسته‌اند، و گروهی آشکار می‌شود که عهد حیات بسته‌اند.

اینک، فرستاده خود را خواهم فرستاد و او راه را پیش روی من آماده خواهد ساخت؛ و خداوندی که شما او را می‌طلبید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، یعنی فرستاده عهد، که شما از او شنودید؛ اینک، او خواهد آمد، می‌گوید خداوند لشکرها. اما روز آمدن او را چه کسی تاب می‌آورد؟ و وقتی ظاهر شود، چه کسی می‌تواند بایستد؟ زیرا او چون آتش پالایشگر است و مانند صابون رخت‌شویان. و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوی را پاک خواهد کرد و ایشان را همچون طلا و نقره تصفیه خواهد نمود، تا برای خداوند قربانی‌ای به عدالت تقدیم کنند. آنگاه قربانی یهودا و اورشلیم برای خداوند خوشایند خواهد بود، همچون روزهای کهن و سال‌های پیشین. و من برای داوری به شما نزدیک خواهم شد؛ و بر ضد جادوگران، و بر ضد زناکاران، و بر ضد قسم‌خوران دروغگو، و بر ضد کسانی که حق مزد مزدور را پایمال می‌کنند، و به بیوه و یتیم ستم می‌رسانند، و بیگانه را از حقتش باز می‌دارند، و از من نمی‌ترسند، شاهدی شتابان

خواهم بود، می‌گوید خداوند لشکرها. ملاکی 1:3-5

فرستاده عهد برای داوری نزدیک می‌شود، هنگامی که فرایند آزمون دانیال به آزمون سوم می‌رسد و خردمندان و شیربان آزموده می‌شوند. فرایند آزمون سه مرحله‌ای دانیال در زمان پایان آغاز می‌شود، وقتی که کتاب دانیال از مهر برداشته می‌شود و دانش افزایش می‌یابد. افزایش دانش از رهگذر کار پیام‌آور برگزیده‌ای که شیپور می‌نوازد روشن می‌گردد. ملاکی از آن پیام‌آور با عنوان «پیام‌آوری که پیش از آمدن فرستاده عهد راه را هموار می‌کند» یاد می‌کند؛ فرستاده‌ای که با آتش آشکار می‌سازد چه کسانی با او عهد بسته‌اند یا چه کسانی پیمان با مرگ را برگزیده‌اند. در تاریخ جنبش میلر، مسیح در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ناگهان به هیکل خود آمد؛ نشانه راهی که قانون یکشنبه‌ای را که به زودی خواهد آمد، پیش‌نمایی می‌کند.

آمدن مسیح به عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداص، برای تطهیر قدس، که در دانیال ۸:۱۴ بیان شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان‌که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خود، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف یک رویداد واحدند؛ و این همچنین با آمدن داماد به عروسی، که مسیح آن را در مثل ده باکره در متی ۲۵ توصیف کرده است، نشان داده شده است. مناقشه عظیم، ۴۲۶.

آخرین سه آزمون دانیال در هنگام قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع رخ می‌دهد؛ زمانی که فرستاده عهد می‌آید تا به وسیله آتش آشکار کند چه کسی عهدی با حیات یا مرگ بسته است؛ امری که در چارچوب لاویان مطرح می‌شود. وقتی ملاکی باکره‌های عاقل و جاهل متی را، که همان لاودیکیان و فیلادلفیان یوحنا هستند، و نیز خردمندان و شیربان دانیال را توصیف می‌کند، هر دو گروه با آتش آزموده می‌شوند و آنگاه آشکار می‌شود که چه کسی لاوی هست و چه کسی نیست.

لاویان نماد کسانی هستند که در برابر دو شورش گوساله‌های طلایی وفادارانه ایستادند. نخستین شورش، شورش هارون بود و دومی، شورش بربعام. در هر دو نمونه، لاویان نماینده وفاداران بودند، و هر دو نمونه دو شاهد بر وفاداری گروهی در هنگام قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع فراهم می‌کنند؛ گروهی که لاویان نماینده آن هستند. هارون یک گوساله طلایی ساخت. طلا نماد بابل است و گوساله تصویری از یک وحش است. سپس عیدی مقرر کرد و مردم نادان برهنه گرد گوساله رقصیدند. تمام شورش آنان از رد موسی، فرستاده برگزیده، سرچشمه می‌گرفت و بر آن بنا شده بود.

و موسی به هارون گفت: این قوم با تو چه کردند که چنین گناه بزرگی بر آنان آوردی؟ و هارون گفت: خشم سرورم افروخته نشود؛ تو این قوم را می‌شناسی که بر شرارت مصمم‌اند. زیرا به من گفتند: برای ما خدایانی بساز که پیشاپیش ما بروند؛ زیرا این موسی، آن مردی که ما را از سرزمین مصر بیرون آورد، نمی‌دانیم چه بر سرش آمده است. و به ایشان گفتم: هر که طلا دارد، آن را از خود جدا کند. پس آن را به من دادند؛ آنگاه آن را در آتش افکندم، و این گوساله بیرون آمد. و چون موسی دید که قوم برهنه‌اند (زیرا هارون آنان را برای رسوایی‌شان در میان دشمنانشان برهنه ساخته بود)، پس موسی در دروازه اردوگاه ایستاد و گفت: چه کسی جانب خداوند است؟ نزد من بیاید. و همه فرزندان لاوی نزد او گرد آمدند. و به ایشان گفت: چنین می‌گوید خداوند، خدای اسرائیل: هر کس شمشیر خود را بر پهلو خود ببندد و در سراسر اردوگاه از دروازه‌ای به دروازه‌ای رفت‌وآمد کند، و هر کس برادر خود را، و هر کس همدم خود را، و هر کس همسایه خود را بکشد. و فرزندان لاوی مطابق سخن موسی عمل کردند؛ و در آن روز از قوم، حدود سه هزار مرد کشته شدند. خروج ۳۲:۲۸.

آنان که رقصیدند، لاودیکیانی بودند که «شرمساری عریانی خود» را آشکار کردند؛ و این همان هشدار بلای ششم است، هشداری درباره ضرورت درک درست ترکیب سه‌گانه روم مدرن به صورت اژدها،

وحش و نبی کاذب. این هشدار به شدت با تفسیر شخصی اوریا اسمیت در تضاد است؛ تفسیری که حقایق مربوط به بلای ششم و آرماگدون را از میان برد.

کسانی که وضعیت لائودیکیه‌ای خود را آشکار کردند، مرجعیت فرستاده برگزیده را رد کردند و همان برداشت آشفته‌ای را بروز دادند که کسانی دارند که نماد شیطانی «daily» daily را نماد الهی خدمت مقدسگاه مسیح می‌انگارند. آنان رهایی خود را به خدایی نمادین نسبت دادند، اما خدایی که برای پرستش برگزیدند نمادی از خدای مصر بود، و مصر نمادی از اژدهاست. همچون ادونتیسیم لائودیکیه‌ای، آنان حقیقت را که «daily» daily نمادی از روم بت‌پرست، یعنی اژدها، است رد کردند و آن نماد شیطانی را نماد مسیح قلمداد نمودند.

ای پسر انسان، روی خود را بر ضد فرعون، پادشاه مصر، بگردان و بر ضد او و بر ضد تمام مصر نبوت کن. یگو: خداوند یهوه چنین می‌فرماید: اینک من بر ضد تو هستم، ای فرعون، پادشاه مصر، اژدهای بزرگ که در میان نهرهایش آرمیده است و گفته است: «نهر من از آن خود من است و آن را برای خود ساخته‌ام.» حزقیال ۲۹:۲، ۳.

شورشیان هارون این دروغ را باور کردند که نماد اژدها، که با گوساله طلایی نمایانده شده بود، همان خدایی است که آنان را از اسارت مصر رهایی داده بود. ادونتیسیم لائودیکیه‌ای این دروغ را باور دارد که نمادی از روم بت‌پرست (اژدها)، که با «daily» daily نمایانده می‌شود، نمادی از مسیح است که کار او رهایی انسان‌ها از اسارت گناه در خدمت او در قدس آسمانی است. آنان همچنین فرستاده برگزیده را رد کردند، همان‌گونه که ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در مناقشه بر سر معنای نمادین «daily» daily چنین کرد.

در نسل نخست (۱۸۴۴ تا ۱۸۸۸) از ادونتیسیم لائودیکیه‌ای، آنان کار میلر در شناسایی هفت زمان را رد کردند. در نسل دوم (۱۸۸۸ تا ۱۹۱۹) فرایند رد حقیقت «دائمی» را آغاز کردند. در نسل سوم (۱۹۱۹ تا ۱۹۵۷)، به درک پروتستانتیسم مرتد بازگشتند که «غارتگران قوم تو» را آنتیوخوس اپیفانس می‌دانند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وقتی «وای سوم» در آن تاریخ فرا رسید، نقش اسلام در نبوت‌های کتاب مقدس را رد کردند. هر یک از آن چهار حقیقت توسط میلر پاس داشته شد و بر دو لوح حقوق بازنمایی شده‌اند، و هر یک حقیقتی بنیادین است که به کار میلر نسبت داده می‌شود؛ همان کسی که خواهر وایت او را «برگزیده» می‌نامد.

شورش یربعام هم‌زمان با آغاز پادشاهی شمالی رخ داد؛ پادشاهی‌ای متشکل از ده قبیله که یربعام را نخستین پادشاه خود ساختند. یربعام دو گوساله طلایی ساخت و یکی را در بیت‌ئیل، به معنای «خانه خدا»، و دیگری را در دان، به معنای «داوری»، نهاد. در کنار هم، بیت‌ئیل و دان نمایانگر پیوند کلیسا (بیت‌ئیل) و حکومت (دان) هستند. و همانند سرکشی هارون، گوساله‌ها از طلا ساخته شدند که نماد بابل است، و هر دو تصویری از یک وحش بودند. همچون هارون، یربعام جشن سالانه‌ای مقرر کرد و گوساله‌ها را همان خدایانی خواند که قوم خدا را از مصر بیرون آوردند.

و یربعام در دل خود گفت: اکنون پادشاهی به خاندان داود بازخواهد گشت. اگر این قوم برای گزاردن قربانی به خانه خداوند در اورشلیم بالا روند، آنگاه دل این قوم بار دیگر به سوی سرور خود، یعنی رجبام پادشاه یهودا، بازخواهد گشت؛ و مرا خواهند کشت و باز نزد رجبام پادشاه یهودا خواهند رفت. پس پادشاه مشورت کرد و دو گوساله زرین ساخت و به آنان گفت: رفتن شما به اورشلیم بسیار دشوار است؛ ای اسرائیل، اینک خدایان تو که تو را از زمین مصر برآوردند. و یکی را در بیت‌ئیل نهاد و دیگری را در دان گذاشت. و این کار مایه گناه شد، زیرا قوم برای سجده کردن نزد آن، تا دان می‌رفتند. و خانه‌ای بر بلندی‌ها ساخت و از میان فرودستان قوم، کاهنانی گماشت که از پسران لاوی نبودند. و یربعام در ماه هشتم، در روز پانزدهم ماه، جشنی مانند جشن

یهودا مقرر داشت و بر قربانگاه قربانی گذرانید. چنین در بیت‌ئیل کرد: برای گوساله‌هایی که ساخته بود قربانی نمود، و در بیت‌ئیل کاهنان عبادتگاه‌های مرتفعی را که ساخته بود گماشت. پس در روز پانزدهم ماه هشتم، یعنی در همان ماهی که به رأی دل خود تعیین کرده بود، بر قربانگاهی که در بیت‌ئیل ساخته بود قربانی گذرانید و برای بنی‌اسرائیل جشنی مقرر داشت؛ و بر قربانگاه قربانی گذرانید و بخور سوزانید. اول پادشاهان ۱۲:۲۶-۳۳

یروبعام «در دل خود اندیشید»، که نمایانگر کار اوربا اسمیت در معرفی یک «تفسیر شخصی» است تا بر پایه آن مدل نبوی خود را بنا کند. یروبعام از الگوی هارون پیروی کرد و بدین‌سان خدایی از مصر را به‌جای خدای حقیقی جلوه داد. آن خدایی که هارون و یروبعام هر دو پدید آوردند، مبتنی بود بر سوء‌کاربرد نمادی از ماهیت دوگانه روم، به‌منزله نماد دستگاه دولت و دستگاه کلیسا. هارون و یروبعام هر دو، تصویر قدرت اژدها را با نماد تمثال وحش یکی می‌انگاشتند. از این‌رو، هر دو آن تاریخ‌های مقدس شورش، نمایانگر آزمون بزرگ قوم خدا هستند که بر پایه آن سرنوشت جاودانی ایشان تعیین خواهد شد. آن آزمون، طبق الهام، آزمون شکل‌گیری تمثال وحش است.

نخستین مناقشه دربارهٔ نماد روم به‌عنوان «غارتگران قوم تو»، که راهش را به نمودار پیشگام ۱۸۴۳ باز کرد، استدلال می‌کرد که آنتیوخوس اپیفانس همان غارتگر است، به‌جای این حقیقت که غارتگران روم‌اند. آن مناقشه نخست، باز نمود مناقشه پایانی دربارهٔ روم بودن «غارتگران قوم تو» بود؛ جایی که اکنون استدلال می‌شود که «غارتگران» ایالات متحده است، نه روم. با این حال، آنتیوخوس در آیات ده تا پانزده دانیال فصل یازدهم نماد ایالات متحده است؛ پس دروغ آغازین و دروغ پایانی دربارهٔ اینکه چه کسی نمایندگی می‌شود، یکسان است.

تاریکی و سردرگمی دربارهٔ اینکه آنتیوخوس در ایام آخر نمایانگر چه بود، موجب سردرگمی دربارهٔ تصویر وحش می‌شود؛ همان‌گونه که شورش هارون و یروبعام نیز چنین کرد. این سردرگمی دربارهٔ تصویر وحش درست در زمانی رخ می‌دهد که آزمون بزرگ برای قوم خدا، شکل‌گیری تصویر وحش است.

خداوند به‌روشنی به من نشان داده است که شمایل وحش پیش از پایان یافتن مهلت آزمایشی شکل خواهد گرفت؛ زیرا قرار است آزمون بزرگی برای قوم خدا باشد که به‌وسیله آن سرنوشت ابدی آنان تعیین خواهد شد. موضع شما چنان درهم‌وبرهمی از ناسازگاری‌هاست که تنها معدودی فریب خواهند خورد.

در مکاشفه ۱۳ این موضوع به‌روشنی بیان شده است؛ [مکاشفه ۱۱:۱۳-۱۷، نقل شده].

این همان آزمایشی است که قوم خدا باید پیش از آن که مهر شوند، از سر بگذرانند. همهٔ کسانی که با نگاه‌داشتن شریعت او وفاداری خود را به خدا ثابت کرده و از پذیرفتن سبت جعلی سر باز زده‌اند، زیر پرچم یهوه، خداوند خدا، قرار خواهند گرفت و مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. کسانی که از حقیقت یا منشأ آسمانی دست می‌کشند و سبت یکشنبه را می‌پذیرند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد. Manuscript Releases، جلد 15، 15.

وقتی خواهر وایت دیدگاه میلر را مبنی بر اینکه «daily» «daily» نمایانگر روم بت‌پرست است تأیید کرد، اظهار داشت که از سال ۱۸۴۴، «دیدگاه‌های دیگر» (به‌صورت جمع) پذیرفته شده‌اند که «تاریکی و سردرگمی» به بار آورده‌اند. سردرگمی‌ای که دیدگاه‌های نادرست دربارهٔ «daily» «daily» نمادی از روم بت‌پرست است—به‌عنوان «راهزنان قوم تو» پدید می‌آورد، موجب سردرگمی و تاریکی در خصوص تمایز میان روم و تصویر روم می‌شود.

نخستین و آخرین مناقشه‌ها دربارهٔ نمادی از روم میان قوم عهد پیشین که از آنان صرف‌نظر می‌شد و قومی که در آن زمان در حال تبدیل شدن به قوم عهد جدید خدا بودند رخ داد. این مناقشه عدم تمایل به پیروی از قواعد تثبیت‌شدهٔ دستور زبان را نیز در بر داشت، زیرا پروتستان‌ها واژه «also» در آیهٔ چهاردهم را نپذیرفتند و بدین‌سان ادعا کردند که دزدان باید همان قدرتی باشند که در آیات پیشین نمایانده شده است.

این یک تحریف کتاب مقدس بود، زمانی که آنتیوخوس را به‌زور «غارتگران» قلمداد کردند. آن تفسیری شخصی بود، زیرا هر آموزه باطلی که مخالف حقیقت باشد، تفسیری شخصی است. خود این مناقشه به حقیقتی بنیادین بدل شد، زیرا بر نمودار پیشگام ۱۸۴۳ ثبت شده بود. تأیید الهامی آن نمودار، «غارتگران» را به‌عنوان نمادی از روم تأیید و تثبیت کرد و بر جدیت آن حقیقت افزود، زیرا رد آن آموزه، به‌منزله رد هم بنیادها و هم اقتدار روح نبوت بود.

درک درست «غارتگران قوم تو» که نمایندهٔ روم‌اند، بر الگوی پیش‌گویی‌ای که فرشتگان به ویلیام میلر داده بودند افزوده شد، زیرا با الگوی پیش‌گویی‌ای که او دریافت و ارائه کرد موافق بود؛ و آن این بود که روم بت‌پرست و روم پاپی بنیاد همهٔ کاربردهای پیش‌گویانهٔ او بودند.

تفسیر شخصی اورپاه اسمیت که «پادشاه شمال» را در آیهٔ سی‌وشش دانیال یازده فرانسه، و سپس در آیهٔ چهل ترکیه می‌دانست، مشتمل بر دو تعیین نادرست برای پادشاه شمال بود. رد بنیادها از سوی اسمیت در سال ۱۸۶۳ کوری‌ای به بار آورد که او را از دیدن یکی از بنیادی‌ترین قواعد نبوت بازداشت؛ یعنی اینکه در حدود زمان مسیح، نبوت موجودیت‌های روحانی امروزی را می‌نمایند؛ همان‌هایی که موجودیت‌های عینی باستانی نمونهٔ آن‌ها بودند. پولس به‌طور مشخص این حقیقت را تعلیم داد، زیرا تصریح کرد که نخست آنچه عینی است می‌آید و سپس آنچه روحانی است.

اما نخست آنچه روحانی است نبود، بلکه آنچه طبیعی است؛ و سپس آنچه روحانی است. اول
قرنتیان ۱۵:۴۶.

اسمیت از قوم عهدی بود که به‌عنوان قوم خدا جای پروتستان‌تیسیم مرتد را گرفته بود، اما او با رد کردن «هفت زمان» و ارائهٔ نمودار ۱۸۶۳ خود، پرچمدار شورش آنان شد. به‌کارگیری تفسیر شخصی‌اش، فهمی نادرست از آرماگدون در مکاشفه باب شانزدهم پدید آورد؛ که خود آزمونی دیگر دربارهٔ درک درست از روم است.

با نخستین مناقشه بر سر «راهزنان»، اسمیت نمایندهٔ کسانی بود که در نخستین تحقق مثل ده باکره دخیل بودند. از این‌رو، با دیدگاه شخصی‌اش دربارهٔ «پادشاه شمال»، او نمایانگر قوم اهل عهدی است که میان سال‌های ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳ نادیده انگاشته می‌شدند، هنگامی که به کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکایی تبدیل می‌شدند. همچون پروتستان‌ها در مناقشهٔ «راهزنان»، اسمیت اعتبار دستوری آن بخش را که با تفسیر شخصی‌اش تحریف کرده بود، نادیده گرفت، زیرا از نظر دستوری «پادشاه شمال» از آیات ۳۱ تا ۴۵ همواره و منحصراً قدرت پاپی است.

در پی جنجال پیرامون «daily» «daily» ویلی وایت و ای. جی. دنیلز برای حفظ دیدگاه قدیمی پروتستانی که «daily» «daily» را نمایانگر خدمت مسیح در مقدس‌گاه می‌دانست، دروغ‌هایی را به تاریخ ادونتیست وارد کردند. آن تاریخ خاص در «جداول حقوق» مشخص شده است، اما مهم است که به شهادت دروغی که با ترویج و تثبیت آن دیدگاه نادرست همراه بود توجه شود، زیرا فهم درست را میلر در «تسالونیکیان دوم» تشخیص داد؛ جایی که مسئله، تقابل میان کسانی است که حقیقت را دوست می‌دارند و کسانی که به دروغ ایمان می‌آورند.

جدل «روزانه» بر درک سطر به سطر می‌افزاید که جدال نهایی روم در زمان ریزش روح‌القدس رخ می‌دهد. در حالی که روح‌القدس از بالا ریخته می‌شود، قدرتی از پایین برمی‌خیزد و کسانی را که آن را به‌عنوان قدرت خدا می‌پذیرند، تسخیر می‌کند، هرچند که این، گمراهی‌ای نیرومند است.

دو قدرت بزرگ درگیر در این کشمکش در کارند: یکی از پایین، دیگری از بالا. هر انسانی زیر نفوذ پنهان یکی از این دو قرار دارد، و اعمال او ماهیت الهامی را که از آن نشأت می‌گیرند آشکار خواهد کرد. آنان که با مسیح متحدند، همواره در خط مسیح کار خواهند کرد. آنان که با شیطان در اتحادند، تحت الهام رهبر خود کار خواهند کرد، در مخالفت با قدرت و عمل روح‌القدس. اراده انسان برای عمل آزاد گذاشته شده است، و از راه عمل آشکار می‌شود که کدام روح بر دل اثر می‌گذارد. «از میوه‌هایشان ایشان را خواهید شناخت.» The 1888 Materials, 1508.

تقابل پیشگویانه در مناقشه «daily» «daily» عبارت است از شناسایی یک نماد اژدها به‌عنوان نماد مسیح. کسانی که این حقیقت را رد می‌کنند، نقش میلر را که این حقیقت را کشف کرد نیز رد می‌کنند و بدین‌سان روح‌القدس را رد کرده و مرتکب گناه نابخشودنی می‌شوند.

در مقاله بعدی به یک جنجال دربارهٔ رم که اندکی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، خواهیم پرداخت.

ما در زمانی زندگی می‌کنیم که زندگی از همیشه گرانباتر و جالب‌تر است. پایان همه چیز نزدیک است. رخدادهای شگفت‌آور پیوسته در برابر ما آشکار خواهد شد؛ زیرا نیروهای نادیدنی در کارند و فعالیت‌های شدید از خود نشان می‌دهند. قدرت‌های تاریکی از اعماق بر عوامل انسانی اثر می‌گذارند، و مردمان شریر با فرشتگان شریر همکاری می‌کنند تا با احکام خدا و ایمان عیسی به جنگ برخیزند؛ و در همان حال، قدرتی از بالا بر کسانی که تسلیم تأثیرات الهی می‌شوند کار می‌کند، و قوم خدا با موجودات آسمانی همکاری می‌کنند. جز ایمانی واقعی و اصیل، هیچ چیز تاب فشاری را که در این روزهای آخر برای آزمودن هر جان انسانی خواهد آمد، نخواهد آورد. خدا باید پناه ما باشد؛ نمی‌توانیم به صورت، ادعا، آیین یا مقام تکیه کنیم، یا بیندیشیم که چون شهرت زنده بودن داریم، در روز آزمایش توان ایستادن خواهیم داشت. هر چه بتوان لرزاند، لرزانده خواهد شد، و آنچه را فریب‌ها و اوهام این روزهای آخر نتوانند به لرزه درآورند، باقی خواهد ماند. جان خود را به صخره ابدی محکم ببندید؛ زیرا تنها در مسیح امنیت خواهد بود. عیسی روزهایی را که ما در آن زندگی می‌کنیم، روزهای خطر توصیف کرد. او گفت: «چنان‌که در روزهای نوح بود، آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود؛ زیرا همان‌گونه که در روزهای پیش از طوفان می‌خوردند و می‌نوشیدند، از دواج می‌کردند و به همسری می‌دادند، تا روزی که نوح به کشتی درآمد، و ندانستند تا آنکه طوفان آمد و همه را با خود برد؛ آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود.» «همچنین همان‌گونه که در روزهای لوط بود؛ می‌خوردند و می‌نوشیدند، می‌خریدند و

می‌فروختند، می‌کاشتند و بنا می‌کردند؛ اما همان روزی که لوط از سدوم بیرون رفت، از آسمان آتش و گوگرد بارید و همه را نابود کرد. چنین نیز خواهد بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود.» «هنگامی که پسر انسان در جلال خود بیاید و همه فرشتگان مقدس با او باشند، آنگاه بر تخت جلال خود خواهد نشست؛ و همه قوم‌ها در برابر او گرد خواهند آمد؛ و آنان را از یکدیگر جدا خواهد کرد، چنان‌که شبان گوسفندان را از بزها جدا می‌کند؛ و گوسفندان را بر دست راست خود خواهد نهاد، و بزها را بر چپ. آنگاه پادشاه به آنان که بر دست راست اویند خواهد گفت: بیایید ای برکت‌یافتگان پدر من، وارث آن پادشاهی شوید که از بنیاد جهان برای شما مهیا شده است.» راه و روش ما در این زندگی، سرنوشت جاودان ما را در آنجا تعیین خواهد کرد؛ این به عهده خود ماست که بگوییم با آنان خواهیم بود که وارث پادشاهی خدا می‌شوند، یا با آنان که به تاریکی بیرون می‌روند. خدا برای نجات ما هر تدارکی را فراهم کرده است؛ پس از آنچه به بهایی بی‌کران خریداری شده است بهره‌مند شویم. «زیرا خدا جهان را آن‌چنان محبت کرد که پسر یگانه خود را بخشید، تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود، بلکه حیات جاودان یابد.» Youth Instructor، ۳، اوت ۱۸۹۳.